

خاموشی خشونت است

به بدرفتاری علیه زنان در افغانستان خاتمه دهید



© IRIN



UNAMA



OHCHR

جولای 8 2009, کابل افغانستان

خلاصه اجرایی

بطور عموم افغانستان از لحاظ تاریخ، فرهنگ، ادبیات، صنعت و مناظر عالی آن مشهور و مورد ستایش قرار میگیرد. افغانستان از لحاظ اینکه تعداد زیاد افغانها جان شانرا از دست میدهند یا زندگی رقت بار دارند نیز شهرت دارد، زیرا خشونت یک واقعیت زندگی روزمره است. از همچو خشونت بطور آشکار چشم پوشی صورت نگرفته و نه هم بطور وسیع از سوی جامعه یا ادارات دولتی به چالش کشیده شده یا تقبیح میگردد. در قدم نخست این فعالین حقوق بشر اند که موضوع خشونت، بشمول تاثیر بخصوص و پیامد های آن بالای زنان و دختران در افغانستان را پیگیری مینمایند. همچنان مسئولیت شرکا است تا فرهنگ معافیت و فراهم ساختن زمینه ادامه خشونت را که پروسه دیموکراسی سازی، ایجاد حاکمیت قانون و سایر تلاشها را که به هدف ایجاد یک فضای مساعد برای احترام به حقوق بشر تضعیف میسازد مورد چالش قرار دهند.

خشونت در سراسر افغانستان فراگیر بوده و در بخشهای مختلف کشور دارای پیامد های متفاوت میباشد. خشونت علیه زنان گسترده بوده، دارای ریشه عمیق و حاد میباشد. خشونتی که بالای زنده گی یک قسمت وسیع زنان و دختران اثر میگذارد از فرهنگ، عنعنات، طرز برخورد و روش های سنتی افغانی ریشه میگیرد. زنان افغان آزادی محدودی نسبت به فرار کردن از نورم ها و رسم و رواج های که زنان به اطاعت از آن امر کرده میشوند، دارند. همچنان زنان در افغانستان بنابر درگیری های مسلحانه که در طی سالهای اخیر شدت گرفته است و بطور فزاینده بالای مردم ملکی تحمیل میگردد مورد خشونت قرار میگیرند. خشونت بشکل حاد آن در حالتی که هرج و مرج و ارتکاب جنایت وجود داشته باشد محسوس میشود. تمام انواع این خشونتها به یک فرهنگ عمیق معافیت که قسماً نتیجه چندین دهه جنگ و بی تفاوتی در برابر برنامه عدلی، که همچنان کشیدن خط فاصل میان گذار از گذشته را نیز میسر خواهد ساخت، پیوند نزدیک دارد،

گزارش سعی مینماید تا بعضی از موضوعات مربوط به استفاده از تمام حقوق بشری از سوی همه زنان افغانستان را که بطور فزاینده ای نادیده گرفته میشوند، دوباره در سطر اول اجندا قرار دهد. مشکلاتی که در این گزارش شناسائی گردیده اند مستلزم گفتگو و بحث بیشتر عامه توأم با اتخاذ اقدامات مناسب قانونی، پالیسی و بلندبردن سطح آگاهی میباشد. در این گزارش، بخش حقوق بشر یوناما روی دو موضوع عمده ذیل تمرکز نموده است:

(الف) خشونتی که مانع اشتراک زنان در حیات عامه میگردد، و

(ب) خشونت جنسی در زمینه تجاوز.

این موضوعات تنها دو نمونه از خشونتی است که افغانها با آن مواجه اند. این موضوعات در زمینه فرهنگ موجود اجتماعی-سیاسی که بوسیله آن حقوق زنان جهت پیشبرد منافع یا برنامه های مختص به موضوع مورد معامله قرار میگیرد بررسی میگردند. این گزارش چگونگی نقش نیروهای سیاسی و مذهبی محافظه کار را در محدود ساختن حقوق زنان نیز مورد بررسی قرار میدهد. بحث یا جدال در مورد قانون احوال شخصیه اهل تشیع مثال هر دو مشکل است.

یافته ها نشان میدهد که زنان بطور فزاینده در معرض یک محیط ناامن قرار دارند. زنانیکه در حیات عامه اشتراک مینمایند مورد تهدید، اذیت و حمله قرار میگیرند. در موارد شدید، زنان بنابر داشتن وظایف که عدم رعایت از روشهای سنتی یا "غیراسلامی" پنداشته میشود، به قتل رسیده اند. مانند ملالی کاکر و ستاره اچکزی که به قتل رسیدند و خیر کشته شدن آنان سرخط خبرها را تشکیل میداد، زنانی بیشماری وجود دارند که تلفون های تهدید آمیز بدست آورده و برایشان امر میشود که کارکردن را متوقف سازند و یا اینکه اطفال آنان مورد اذیت یا تهدید قرار میگیرند. زنان "شب نامه های" تهدید آمیز نیز بدست آورده و مورد بدرفتاری فزیکتی یا لفظی قرار میگیرند. در نتیجه، زنان به خودسانسوری متوصل گردیده، گشت و گذار شان را محدود یا از ادامه کار دست میکشند. از نظر روانی و فزیکتی مورد تهدیدات و اشکال مختلف ارباب و حمله های زیان آور قرار دارند. همچو خشونت ها، بر علاوه زنانیکه بطور مستقیم مورد هدف قرار میگیرند، مانع اشتراک سایر زنان در پروسه های انکشافی یا سیاسی میگردد. حملات بالای زنان مانع موجودیت اطلاعات در مورد مسائلی که صرف آنها بعنوان زن میتوانند به آن دسترسی پیداکنند میگردد. حملات علیه معلمین و کارکنان مسلکی صحتی مانع دسترسی افغانها به تعلیم و مراقبت های صحتی میگردد.

الگو قرار دادن حملات علیه زنانیکه در بخشهای عامه فعالیت مینمایند پیام قوی را برای همه زنان میفرستد تا در خانه بمانند. این پیامد های آشکار را نسبت به تغییر شکل در افغانستان، اولویت های بیان شده از سوی مقامات افغان و حامیان بین المللی شان بجا میگذارد. اگر یک نمونه انکشاف اجتماعی-اقتصادی را مدنظر بگیریم، در یک کشوری که 42 درصد نفوس آن در برابر فقر مطلق دست و پنجه نرم مینمایند، غیرواقعی بینانه است که پیشرفت های قابل ملاحظه را زمانیکه نیم حصه مردم از اشتراک به سطح محلی یا ملی باز داشته میشوند پیش بینی کرد. عملاً زندانی کردن زنان در خانه هایشان در دوره انتخابات نگرانی های بیشتری را ببار میآورد. بعضی از زنان عضو پارلمان گفته اند بعید است که آنان در انتخابات پارلمانی که

قرار است در سال 2010 برگزار گردد اشتراک نمایند، مگر اینکه وضعیت امنیتی بهتر شود. باتوجه به وضعیت انتقالی شکننده ای که افغانستان در آن قرار دارد این یک نگرانی آشکار است.

در مورد مسئله تجاوز، یوناما در تحقیقات خویش دریافته است، باوجودیکه قضایا در این مورد کمتر گزارش و زیادتیر پنهان میگردد، این جنایت قبیح یک اتفاق یومیه در همه بخشهای افغانستان است. از لحاظ تناسب، این یک مشکل عمیق حقوق بشری است. زنان و دختران در خانه ها، جوامع و مراکز توقیف شان در معرض خطر تجاوز قرار دارند و در نتیجه ای روشهای سنتی زیان آور آنها عداوت های "خانواده گی یا اجتماعی" را حل و فصل مینمایند. در بعضی ساحات، اشخاصی که متهم یا محکوم به تجاوز میگرددند، یا با قوماندان قدرتمند، اعضای گروه های مسلح غیرقانونی یا باند های جنایتکار و یا هم با افراد قدرتمند که نفوذ آنان ایشان را در برابر دستگیری و پیگرد قانونی محافظت مینماید، پیوند دارند. بطور مثال، بخش حقوق بشر یوناما در مناطق شمال دریافت که در 39 درصد قضایای که مورد تحلیل قرار گرفت، مرتکبین مستقیماً با قدرت سالارانی که خود را مافوق قانون میدانند و در برابر دستگیری و محکومیت اجتماعی از معافیت برخوردارند پیوند داشتند.

مسئله "آبرو" یک قاعده اجتماعی-فرهنگی بوده و در موضوع تجاوز و مانع شدن تلاشها برای افشای آن نقش محوری دارد. شرمساری تنها به قربانیان تجاوز نسبت داده میشود نه به شخص مرتکب. قربانیان اکثراً خود را در معرض پیگرد قانونی بنا بر ارتکاب زنا (روابط جنسی نامشروع) دریافته و از حق دسترسی به عدالت باز داشته میشوند. زمانیکه اجتماع قربانیان زن را در برابر لکه ننگین و شرمساری مادام العمر قرار میدهد مشکل پیچیده تر میگردد. برعلاوه، جامعه از خشونت جنسی از طریق روش های زیان بار سنتی مانند در بد دادن یا وادار ساختن متضرر به ازدواج با شخص متجاوز از خشونت جنسی پرده پوشی مینماید. نیاز مهم و عاجل برای حکومت و جامعه وجود دارد تا طرز برخورد ها درخصوص تجاوز، مشکل وسیع خشونت علیه زنان و ارتباط آنان به یک جنایتی را که حیات قربانیان بیشمار را از بین میبرد مورد سوال قرار دهند.

وقوع و شیوع خشونت علیه زنان امیدواری را که نسبت به جامعه بعد از سقوط رژیم طالبان بمیان آورده بود مورد سوال قرار میدهد. پیام محوری که در زمان درباره اش حرف بمیان میامد این بود که اکنون زمان تحقق حقوق زنان فرا رسیده است. اهمیت اشتراک زنان در شکل دهی و گفتگو های سیاسی در راستای تحقق یک صلح پایدار و موثر نیز موضوع محوری دوره پس از امضای توافقنامه بن (در ماه دسمبر سال 2001) را تشکیل میداد.

واقعیت موجود این است که زندگی تعداد زیاد زنان افغان به شدت مورد خشونت واقع می‌باشد. از حق انسانی و بنیادی زنان انکار میشود و در جریان جستجوی عدالت در مقابل جرایم که علیه شان به عمل می‌آید بیشتر مورد خشونت قرار می‌گیرند. با جود امیدواری‌های که تقریباً هشت سال قبل وجود داشت، حقوق و خواست‌های زنان و مردان که از آنها حمایت مینمایند، تا حد زیاد تحقق نیافته است. اکثریت عظیم زنان افغان از نارسایی‌های حقوق بشری رنج می‌برند، و برای آنها حقوق بشر عبارت از ارزش‌ها، معیارها و حقوق‌اند که تنها یک نظریه بوده و حتی بعضی اوقات در روی ورق نیز وجود ندارد.

حکومت افغانستان در مشارکت با جامعه مدنی و دیگر فعالان باید یک رهبری و تعهد را در مبارزه با خشونت علیه زنان اعلان نماید. حکومت باید تمام کسانی را که به زنان و دختران افغانستان آسیب می‌رسانند، مورد پیگرد قانونی قرار دهد و تعهد کند که با مشکل معافیت مبارزه و یقین حاصل مینماید که زنان به عدالت دسترسی دارند.

فشرده این قسمت در مورد تهدیدات و حملات علیه زنان که در زندگی عمومی اشتراک دارند

گرایش رو به افزایش خشونت علیه زنان در حیات عمومی نشان میدهد که نقش اساسی زنان در روند تصمیمگیری دیموکراتیک، انکشاف اقتصادی و اجتماعی و تلاش برای صلح و ثبات بطور کامل جامه عمل نپوشیده و یا در جامعه یا سیاست افغانستان ارزش ندارد. مصاحبه‌های که با زنان و مردان صورت گرفت، نشان میدهد که جایگاه سیاسی زنان که از حقوق شان دفاع مینمایند کم رنگ تر گردیده است.

گزارشات نشان میدهد زنان که در زندگی عمومی اشتراک مینمایند مورد تهدید، حمله و حتی به قتل میرسند. تهدیدات شامل بد رفتاری لفظی، اختارهای تلیفونی، شب نامه‌ها و شایعات بد خواهی می‌باشند. بسیاری شان از حفاظت خود و خانواده شان نگران اند.

زنان مختلف با چنین تهدیدات مواجه اند: نماینده گان زن در پارلمان، اعضای شورا‌های ولایتی، مامورین جامعه مدنی، ژورنالیستان، زنان که با سازمان‌های بین المللی فعالیت دارند به شمول ملل متحد و کسانیکه در کارهای غیر اخلاقی مصروف هستند. مرتکبین این اعمال عبارتند از عاملین ضد دولتی، قدرتمندان مذهبی، محلی و سنتی، خانواده‌ها و جوامع خود زنان و در برخی موارد مقامات حکومتی.

دلایل مشخص در عقب این تهدیدات بعضی اوقات مشکل است تا تثبیت کرد: آیا یک زن بخاطریکه برون از خانه کار میکند، مورد هدف قرار میگیرد؟ بخاطر که نقش عمده را در اجتماع خود ایفا میکند، مانند یک کارمند منتخب؟ بخاطر که یک مسلک معین دارد مثلی یک مامور ملکی؟ بخاطر که حقوق سایر زنان را توسعه میدهد؟ بخاطر که طرز برخورد جامعه و مردان را مورد سوال یا چالش قرار میدهد؟ یا بخاطرکه دیگر زنان را توانمند میسازد تا حق شان را ادعاء نمایند؟

عقاید سنتی جنسیت، اکثراً با حکم خود سرانه مذهب تقویت میگردند به شمول تعبیر محافظه کارانه و در برخی موارد سوء تعبیر از اسلام از طرف رهبران مذهبی و جامعه ممکن عوامل باشند که در محدودسازی اشتراک زنان در حیات عمومی کمک نمایند.

تو ام با معافیت، نبود حمایت کافی دولت از زنان آنها را در خطر می اندازد. ارگان های تنفیذ قانون و مقامات قضایی توجه لازم را در برابر گزارشات تهدیدی و حمله علیه زنان نه مینمایند. این نهاد ها غیر موثر، بی کفایت، نا کارا و فاسد خوانده شده اند. گذشته از این، نهاد های مذکور فاقد کارمندان و منابع شایسته و ورزیده اند که ممکن آگاهی اساسی از محرومیت قضایا را تامین نتوانند. بسیاری از زنان از گزارش تهدیدات که متوجه شان است خود داری میورزند تا مبادا با تهدیدات بیشتر مواجه گردند.

در نتیجه، بسیاری زنان اقدامات پیش گیرانه حفاظتی خود را اتخاذ مینمایند تا از سطح خطر کاسته باشند مانند کاهش حضور شان در منظر عام، محدودیت در گشت و گذار، خود سانسوری یا توقف کار و فعالیت. بر علاوه، بعضی زنان ممکن از حمایت خانواده بر خوردار باشند یا تا حدود توسط قدرت و نفوذ فامیلی شان محافظت گردند. تعداد دیگر ممکن وظایف مناسب را مانند اشتغال در سکتور های صحی که تماس کمتر با مردان دارد، انتخاب نمایند.

تاثیرات غیر مستقیم تهدیدات علیه زنان عمیق است: نبود اشتراک کافی زنان در وظایف معین، به شمول کسانی که در بخش های حقوق بشر و سیاسی فعالیت دارند، بیانگر اینست که مسایل جنسیتی بقدر کافی در مباحثات سیاسی یا روند تصمیم گیری در نظر گرفته نمیشود. خود سانسوری در رسانه های آگاهی عامه مسایل مربوط به جنسیت را محدود میسازد. در سطح فردی، ممکن توانایی اشتراک زنان در تصامیم که زندگی خود و خانواده شان را متاثر میسازد، محدود شده باشد یا دسترسی یکسان یا برابر به خدمات اساسی عامه از قبیل تعلیم و تربیه یا مراقبت صحی نداشته باشند. بطور مثال، نبود کارمندان صحی کافی زن عامل است که در مرگ و میر مادران روستایی کمک مینماید.

خلاصه فصل خشونت جنسی علیه زنان: تجاوز

واقعیت برای اکثر قربانیان زن موارد نقض حقوق بشر این است که نهادهای دولتی نمی توانند از آنها دفاع کنند. هیچ موضوعی این را به اندازه موضوع خشونت جنسی و مخصوصا تجاوز به روشنی نشان نمی دهد. معلومات اولیه نشان می دهد که تجاوز و سایر اشکال خشونت جنسی در تمام بخش ها، محلات و گروههای اجتماعی افغانستان رایج می باشد. با این وجود ابعاد این مشکل با توجه به نبود معلومات جامع و قابل اعتماد، تابوهای اجتماعی، و عدم گزارش به دلیل نبود منابع رسیدگی به شکایات یا حمایت، نامعلوم می باشد.

علاوه بر این، از آنجا که جامعه افغانی زنان را نگهبان فرهنگ و حامل آبروی خانواده می داند، خشونت جنسی به معنای بی آبرو ساختن خانواده و محل زن می باشد. این اکثر اوقات باعث می شود تا زنان حوادث خشونت بار را پنهان کنند.

زنان در خانه و محل و در سرک ها به هنگام رفتن به کار یا مکتب در خطر می باشند. سایر فاکتورهای خطر شامل سن، سابقه حملات جنسی در گذشته، زنان تنها مانند زنان بیوه، مطلقه، یا زنانی که شوهرانشان در خارج از کشور هستند می باشند. به همین منوال، دخترانی که از خانه فرار می کنند به شمول کسانی که از ازدواج های اجباری فرار کرده اند اند در خطر می باشند.

مطالعه موارد نشان می دهد که اکثر عاملین این جرائم اعضای نزدیک فامیل یا آشنایان قربانیان می باشند. برای به طور مثال، تعداد زیادی از موارد تجاوز توسط پدران و یا سایر اعضای ذکور فامیل صورت گرفته است. عاملین خشونت های جنسی همچنان افرادی هستند که باید از زنان و کودکان مراقبت کنند مانند کارمندان زندان ها، مراکز حبس اطفال و نوجوانان، حوزة های پولیس یا یتیم خانه ها. افراد قدرتمند محلی، قومندانان قدرتمند، اعضای گروههای مسلح غیر قانونی یا گروههای جنایتکار همچنان در میان عاملان تجاوزهای جنسی دیده می شوند اگرچه ممکن است به دلیل روابط خود با افراد قدرتمند بتوانند از چنگال قانون فرار کنند.

خشونت های خانوادگی - مانند جنگ بین خانواده ها یا در میان محلات همچنان دلیل و انگیزه خشونت های جنسی قرار گرفته اند. در چنین شرایطی، تجاوز به عنوان انتقام از جرم گذشته از طریق بی آبرو ساختن خانواده، قبیله یا طایفه دیگر استفاده می شود و اغلب چرخه بی پایان جرم و جنایت را ایجاد می کند.

قربانیانی که پس از غلبه بر موانع و تابوهای متعدد از تجاوز گزارش می دهند اغلب با موانع جدی در به کسب حمایت کافی و درست روبرو هستند. مقامات دولتی توانایی و اراده ارائه کمک به قربانیان به شمول کمک های طبی، مشاوره های روانشناسی و اقدامات قانونی را ندارند. تنها در چند مورد نهادهای دولتی اقدامات مناسب اتخاذ کرده اند. بعضی از شاکیان به صورت جدی از ادامه اقدامات خود با تهدید مخصوصاً تهدید به متهم شدن به زنا باز داشته شده اند. علاوه بر این، مقامات مخصوصاً پولیس، نگرانی های خود را مبنی بر نبود ظرفیت برای تحقیق موارد تجاوز به شمول کارمندان واجد شرایط زن و تخصص طب عدلی اعلام کرده اند.

نبود وضاحت در احکام قوانین افغانستان در ارتباط با تجاوز و در نتیجه عدم آگاهی نهادهای عدلی از چگونگی تطبیق آنها مشکل مصونیت را وخیم تر ساخته است. در قانون جزای سال 1976 افغانستان هیچ حکم صریحی برای جرم خواندن تجاوز وجود ندارد. در موارد ارتباط جنسی اجباری، مقامات قضایی و پولیس در نتیجه اغلب متوسل به مفهوم زنا می شوند. با این وجود، زنا مطلقاً مفهوم رضایت را در بر نمی گیرد که یکی از عناصر اصلی تجاوز می باشد و تنها به افرادی اشاره می کند که دارای روابط جنسی خارج از ازدواج می باشند. علاوه بر این، در اصل هر دو نفری که دست به زنا زده باشند از لحاظ قانونی مجرم می باشند اگرچه اگر ثابت شود که اجبار در کار بوده، قربانی مسئولیت جنایی نخواهد داشت. مشخص نیست که این تمایز بین زنا اجباری و اختیاری در محاکم افغانستان چگونه تطبیق می شود.

علاوه بر مشکلات فساد و عدم استقلال سیستم جزایی، زنان به هنگام جستجوی عدالت در محاکم با بدنامی و روابط قدرت نابرابر روبرو می باشند. دسترسی به نهادهای عدلی رسمی در افغانستان همچنین محدود است و استقلال قوه قضائیه ممکن است متاثر از فساد و اجبار باشد.

به دلیل این مشکلات، اکثر افراد به مکانیزم های خصوصی و سنتی حل و فصل منازعات بین خانواده ها و در سطح محل از طریق جرگه ها و شوراها تکیه می کنند. اکثراً نتیجه یک ازدواج از پیش ترتیب داده شده بین فرد تجاوز کننده و قربانی است که نا گفته پیداست که ممکن است چه عواقب وخیم و منفی برای زن داشته باشد به شمول خطر بالای خشونت های خانگی. اقدامات دیگر برای رسیدگی به موارد تجاوز در

پشتونوالی آمده (قاعده رفتاری پشتونها) به شمول کشتن هر دو طرف، یا با توافق طرفین برای تسلیم یک یا چند دختر به خانواده قربانی برای جبران صدمه وارد شده. زنان معمولاً در چنین پروسه های تصمیم گیری شرکت ندارند یا ممکن است به واسطه اعمالی مانند قتل های ناموسی یا تبعید بیشتر قربانی گردند.

جامعه افغانی معمولاً به دلیل این الگوی اجتماعی فرهنگی، قربانیان خشونت های جنسی را نادیده می گیرد و این توسط نبود چهارچوب های مناسب قانونی و پاسخ کافی و مکانیزم های جبرانی تقویت می شوند. عدم اراده دولت برای اقدام در این موارد به شمول افزایش آگاهی عامه از حقوق زنان فضای مصئونیت فعلی را وخیم تر کرده است.

نتایج و پیشنهادات

از زمان امضای توافق نامه بن در دسامبر 2001، زنان و دختران افغانستان به اشکال گوناگون از تغییرات به وجود آمده سود برده اند. تغییرات مثبت شامل آغاز طرح های متعدد دولتی برای بهبود حکومت داری، فقر زدایی و رسیدگی به جرمی که زنان افغانستان را در حد بسیار پائین نگاه کرده بود و افغانستان در رده دوم پائین ترین کشورها از لحاظ انکشاف جنسیتی قرار داشت می شود.

با این وجود، همچنین آشکار است که جنگ های مسلحانه و ناامنی، بی قانونی و فضای جرم و جنایت در حال افزایش هستند و همزمان سطح خشونت که جان افغانها، مردها زنان و کودکان را به خطر می اندازد در حال افزایش است. در این زمینه، افغانستان منعکس کننده تجربیات سایر مناطق است که نشان دهنده "رابطه همیشگی بین جنگ بیشتر و ناامنی و خشونت علیه زنان می باشد."

خشونت چه به شکل ساختاری آن در مفهوم هنجارهای اجتماعی، فرهنگی و غیره که تعصبات جنسی را دامن زده و نقش محدودی را به زنان اعطا می کنند یا خشونت که جدی است به مفهوم تهدید فوری به سلامت و امنیت جسمی کسانی که در خطر هستند یک فاکتور غالب در زندگی تعداد زیادی از زنان و دختران در سرتاسر افغانستان می باشد.

ماهیت خشونت وارده به زنان افغان و صدمه ای که آن به زندگی فردی آنها و خانواده، محلات و جامعه آنها وارد می کند در این گزارش به صورت کلی ثبت شده است. در الگوهای خشونت شباهت ها و تفاوت هایی

در سرتاسر کشور دیده می شود اما نکته مشترک این است که زنان و دختران از ارزش مساوی منحیث فرد با حقوق بشری بالفطره برخوردار نیستند.

تجربیات نیز نشان میدهد که زنان در برابر خشونت های متحمل شده تحمل و بردباری عظیمی را از خود نشان داده اند. با توجه به ماهیت و شکل جرم، بیرحمی، تحمیل بی عدالتی و همچنان " شخصیت " عاملین یا منبع خشونت، در خانواده، اجتماعات و در میکانیزم های سنتی حل اختلاف و نهاد های دولتی گرایشی وجود دارد تا قربانیان را جریمه کنند و یا نیاز برای جبران یا عدالت را تنزل بخشند. در واقع یک بخش قابل توجهی از خشونت نهادینه شده علیه زنان به کسانی مربوطه می شود که دارای قدرت اند و یا مسئولین تصمیم گیرنده می باشند و نمی خواهند حقوق زنان افغان را که ارزش کمتر از حقوق مردان ندارد، به پذیرند و تائید کنند.

تحقیقات انجام شده از سوی یوناما و همچنان یک سلسله تحقیقات ذخیره شده که ماهیت تبعیض و پیامدهای شدید آن را برای زنان و جامعه بطور کلی نشان میدهد، بطور واضح یک سلسله عوامل را مشخص نمود. این مسئله بطور خاص شامل معیار های فرهنگی و فعالیت های سنتی می گردد که برای زنان مضر و در بعضی موارد مرگبار می باشد. هر چند بعضی از سنت ها مانند بد دادن قبل از اسلام وجود داشته، اکثراً دین را با هدف تقویت مجدد این سنت ها که بر احکام اسلامی منع نشده، بکار می برند. بطور مشابه، یک ائتلاف نا مقدس سیاستمداران محافظه کار، رهبران اجتماعی و مذهبی، به نام دین مبین اسلام یا سنت برنامه هایی را منعقد و دنبال می کنند تا با منع و حمله بر فعالیت های طرح شده جهت مبارزه با تبعیض دیرینه و فاسد علیه زنان، قدرت و نفوذ خود را حفظ کنند.

تاریخ امروری افغانستان نشان میدهد که وضعیت و نقش زنان جهت تقویت یا به چالش کشیدن قدرت و نفوذ سرسخت گروه ها و بهره کشان قدرتمند یک مسئله همیشگی، مناسب و مصلحت آمیز به شمار میرود. در عمل، حقوق زنان در بدل حمایت سیاسی یا اهرم نفوذ در ساختاری با تغییر پذیری همیشگی " معامله " می شود. در نتیجه، کشمکش های سیاسی به معنی این است که اصلاح و بهبود در جهت عملی نمودن حقوق زنان می تواند به سادگی روند معکوس بگیرد.

حوادث و تاریخ اخیر نشان میدهد که فعالین حقوق و دیگر موضوعات چه در داخل و خارج از دولت؛ یعنی کسانی که در برابر تبعیض مخالفت دارد دائماً به علت ماهیت قابل تغییر هم پیمانان شان، در یک محیط سیال و دشوار کار می کنند. در نتیجه، کسانی که طرفدار پیشرفت حقوق زنان هستند، به مشکل یک بحث یا

گفتگوی عمومی را به راه بیاندارند تا دولت افغانستان، نهاد های عامه، فعالین جامعه مدنی، نهاد های حقوق بشر و شرکای جامعه بین المللی را به رعایت و ترویج حقوق زنان ترغیب کند.

ماهیت مقطعی مباحثات پیرامون حقوق زنان جهت ابتکارات طرح شده برای کمک به زنان در پی بردن به توانمندی کامل شان دلالت سریع دارد. وقتی تبعیض علیه زنان با ارقام، نهاد ها یا مسئولین که در فکر کسب قدرت اند تصدیق میشد، از خشونت علیه زنان به طور کامل چشم پوشی صورت می گیرد.

یک جمع بندی اجتناب ناپذیر یافته های گنجانیده شده در این گزارش این است، تا زمانیکه دولت افغانستان با حمایت شرکای بین المللی خود به روش معقولانه و محسوس نشان ندهد که خشونت علیه زنان غیر قابل قبول است، بدرفتاری و حمله بر زنان ادامه خواهد داشت.

این نتیجه گیری که سکوت پیرامون مشکلات شناخته شده خشونت علیه زنان و دختران افغانستان باید شکسته شود، غیر قابل تکذیب است. ساکت ماندن به معنی همدستی در تجاوز علیه دختران خردسالی است که بعد ها در یک توافق برای ازدواج به تجاوز کننده " فروخته می شود" تا " آبرو" یا وقار مردان خانواده قربانی اعاده شود. ساکت ماندن به معنی حمایت از کسانی است که قصد دارند تا قدرت و صلاحیت شان را با محدود نمودن زنان به امور خانه حفظ کنند. ساکت ماندن به معنی حمایت از پالیسی های تبعیض آمیز و منظم است که بر خشونت علیه زنان چشم پوشی می کند. ساکت ماندن به معنی ترک و واگذاری زنانی است که با درک کامل خطر را متقبل می شوند تا نقشی را بخاطر رشد حقوق زنان در جامعه افغانی ایفا کنند.

پیشنهادات

یافته ها و نتیجه گیری های گنجانیده شده در این گزارش باعث مطرح شدن یک سلسله پیشنهادات کلی می گردد که بخاطر کمک به شرکای مختلف و در قدم اول برای کمک به دولت افغانستان که مکلف است تا حقوق زنان را رعایت، حفاظت و اعاده کند، طرح ریزی شده است. در این تلاش، باید با زنان و همچنان با سازمانهای جامعه مدنی افغانی و بین المللی مشوره شود تا بتوان بهترین راه را برای مشخص نمودن مشکلات شناخته شده در این گزارش یافت. جامعه بین المللی باید دولت افغانستان را در این تلاش ها کمک کند و در برابر کمک به دولت برای حفظ حقوق بشر به مثابه یک اولویت باید تعهد کنند.

به مثابه اولویت دولت افغانستان باید چنین کند:

- طرح و عملی نمودن پروگرام و کمپاین ها با هدف رشد آگاهی در جامعه بخصوص در میان رهبران مذهبی و اجتماعی در مورد حقوق زنان، تبعیض جنسیتی و خشونت علیه زنان از طریق رسانه ها و نصاب تعلیمی.
- اصلاح قوانین و پالیسی ها با هدف تضمین اینکه تمام حقوق بطور مساویانه برای زنان و مردان حفاظت شده و بر اساس قانون جزا تجاوز یک جرم سنگین می باشد؛ اتخاذ اقدامات لازم برای بی تأثیر و دلسرد نمودن جرگه ها و شوراهای جهت مشخص نمودن جرم تجاوز از طریق روش های سنتی حل اختلافات که حقوق زنان را رعایت نمی کنند.
- یقینی سازی آنکه مسوده قانون محو خشونت علیه زنان صریحاً تجاوز جنسی را جرم پنداشته، و یک تعریف واضح از تجاوز جنسی مطابق به قوانین بین المللی درین قانون گنجانیده شود. همچنان رهنمود واضح در مورد "کشتن بخاطر آبرو" را در خود داشته و شامل میکانیزم باشد که مسئولین دولتی برای پنهان ساختن جرم تجاوز جنسی مسول قرار بدهد.
- تقویت ظرفیت نهاد های قانون گذار و قضایی برای مشخص نمودن خشونت علیه زنان بخصوص تجاوز، به یک روش موثر و حرفه ای که به هیچ صورت با مصئونیت و امنیت قربانیان سازش و مصلحت نکند؛ این مسئله باید شامل ارایه یک آموزش مفصل در مورد حقوق زنان و استخدام و آموزش کارمندان زن به افراد قانون گذار و قضایی باشد.
- حسابه یا مسئول قرار دادن مسئولین عامه که بطور مناسب و دقیق عاملین خشونت جنسی را مورد پیگیری و تحقیق قرار نمی دهند.
- تقویت ظرفیت نهاد های روانی - اجتماعی عامه و همچنان پروگرام های کمک حقوقی جهت تحقق حقوق قربانیان به داشتن یک جبران مناسب و سریع.
- تضمین اینکه نیرو های امنیتی برای ارایه حمایت از زنان در زندگی عامه کاملاً تجهیز شده و متعهد می باشد و بخصوص برای حمایت زنانی که در معرض خطر قرار دارند مانند مسئولین انتخاب شده

و کارکنان بلند رتبه ملکی؛ این مسئله باید شامل تضمین مناسب تحقیقات و پیگیری افرادی گردد که زنان را مورد تهدید، آزار، ارباب و حمله قرار میدهند.

▪ رشد ظرفیت نظارت نهاد های افغانی بخاطر تضمین بهتر جمع آوری اطلاعات، پیگیری شکایات و بررسی جرایم خشونت علیه زنان.

▪ پذیرش و تطبیق قوانین و پالیسی های عمل موثر با هدف تصحیح عدم توازن جنسی فعلی.

▪ تضمین اینکه زنان، بخصوص مسئولین اناث انتخاب شده یک بخشی از پروسه تصمیم گیری اند که می تواند بطور کامل بر زنان و جامعه افغانی، منجمله در ارتباط به فعالیت های صلح و مصالحه تأثیر بگذارند.

▪ تهیه و تقدیم راپور روی میثاق بین المللی روی محور خشونت علیه زنان به طور عاجل ، و کار با شرکای زیربط برای تطبیق سفارشات راپورمر حله وار روی بررسی حقوق بشر در افغانستان که در می سال 2009 میلادی انجام یافته است.